

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد سرور رنا
مونشن، المان
۲۰۰۹/۱۶/۱۱

کشور بی سر و بی در

دریکی از مضامین قبلی تحت همین عنوان با استفاده از آثار بزرگان درباره واقعات گذشته و گزارشات کنونی وطن صحبتی کرده بودم، اینک تحت همان عنوان گفتنی های دیگری دارم که نمی خواهم ناگفته بگذارم اما اولتر ازینجا آغاز مینمایم که مقصد من از به کار بردن بی سر و پا بی صاحب، مجازی میباشد زیرا همه می دانیم سر یا صاحب تمام جهان و کشور افغانستان خالق کاینات میباشد.

وطندار عزیز! شاید متوجه نباشی مادر وطن باستانی کهن و سربلندت مانند گنجشگ نیم جان در بین چنگال دشمنان قوی پنجه و پرتوان داخلی و خارجی به سختی نفس کشیده در حال جان کندن و پارچه شدن است باچشمان نگران سوی من و تو مینگرد و اشغالگران به کمک بعضی وطن فروشان که خود را هم کوزه هم کوزه گر و هم گل کوزه ساخته اند آنچه بخواهند درینجا انجام میدهند. هر یکی آنها ملیاردها دالر را نشان میدهند که به افغانستان می پردازند اما از راه دیگر به حسابات خود بر میگرددند. از هر زبان می شنویم که بیست ملیار دالر پرداخته شده اما به شرق و غرب، شمال یا جنوب بالا و پایان این خاکدان نظر اندازیم جز همان خرابه پار و باقیمانده قدرت نمائی جنگسالاران که چند عمارت متعلق به ملیارردران با نقشه دیگران غیر از پلان ساختمان افغانستان تازه اعمار گردیده بیشتر چیزی نمی یابید. احمد پوده همان است که بوده همان خرابه و مردم بی سرپناه؛ همان بیکاران و مردم بیچاره و گدا، همان گریه و ناله و نوا، یگانه چیزی که زیاد شده و از آن نمی توان انکار کرد مقابر بی شمار است که تعداد آن هر روز در حال زیاد شدن میباشد، کمونیستان نامسلمان و عمامه پوشان مسلمان صدها کشتگان خود را در یک قبردفن و پنهان میکردند امروز سربازان خارجی هم تقریباً همان میکنند، اما بعداً جهت استفاده سیاسی و ایجاد دشمنی و نفاق بین اقوام آنها را برملا میسازند. از سد و ذخیره آب و حفر آنها یا احداث فابریکه و مؤسسات تولیدی کوچک و بزرگ که بیکاران را به کار میگرداند و از تعداد فقر و بیکاری میکاهد خبری نیست. عمارات بزرگ و بلند و هوتلهای مدرن و رنگارنگ در حالت کنونی هیچ گونه درد اساسی را مداوا نمیتواند.

خدا پدران همه ای ما را بیمارزد چه مردم نیک، وطندوست، پاک و با ایمان بودند که با خدا بیامری و نام نیک رفته وطن آزاد، آباد، سبز و خرم؛ یکپارچه با یک پرچم سه رنگ سیاه سرخ و سبز ((به مفهوم اشغال، مبارزه و جهاد استرداد استقلال)). دارای محراب و منبر ((یعنی حکومت اسلامی)) باخوشه گندم ((کشور با قدرت زراعتی)) را به دست ما دادند. نفرین بر ما که اینک به آیندگان، کشور اسیر، سوخته، ریخته و پاشیده با ۳۴ پرچم اشغالگر، مردم گدا و غلام میسپاریم. نمیدانیم کمونیستان بدنام، امیران بنام مسلمان، و دولتمردان کنونی تحت نام جمهوری اسلام که همه به مقصد احراز کرسی و قدرت و جمع آوری ثروت، سبب و وسیله این روزگار سیاه و تباهی شده اند نزد خدا و جوانان موجود و نسل آینده افغانستان چه جواب دارند؟

این وطن در طول تاریخ بسی روزهای سخت و سیاه را سپری ساخته اما هیچگاه با چنین روزگار دردناک، شرم آور و تأثر بار مواجه نگردیده است. به چشم می بینیم وطن اشغال، مردم اسیر و غلام، پرچم سرنگون و زیر پا و ناموس برباد هوا شده، اما متأسفانه آواز دهل تبلیغاتی و بیحاصل این و آن با تملق و چاپلوسی جاه طلبانه بعضی خود خواهان چنان انعکاس می یابد که گوشهای شنوندگان را کر، حقایق را، مغشوش، و وطنداران بی چاره و بیخبر را سردرگم ساخته به هرسو که میخوانند میکشانند و خود بهره می بردارند.

باید قبول کنیم در دستگاه دولتی بهترین قوانین در روی کاغذ به نام اصولنامه و قانون داریم اما کارکنان دولتی یا از آن بیخبر و یا فهمیده نمیتوانند، کسانی که کمی می فهمند چون تعمیل آنرا به ضرر خود میدانند نا دیده گرفته در روی میز به نمایش میگذارند.

مادر سکنه در جریده اتحاد المنافقین در صفحه سیاه به خط سرخ در مقاله ای تحت عنوان دزدان با چراغ و شاخ این اثر جاویدان خدا بیامرز آقاعبدل گوش دراز را که جایزه ادبی مؤسسه کج دار و مریز زیارت احمد زمچ ولی گوش کن و دم مزن را نیز حایز گردیده نشر کرده .

((در کشور افغان هیچ کسی هراسان نشود در سایه دالرو نفوذ مشکلی نیست کآسان نشود.))

همچنین در تحت مضمون دیده در ایان پر رو بعد از یکخنده طولانی هه هه هه هه هه هه هه نوشته آقای عبدالله عبدالله در یکی از شبهای مهتاب که مهمان جناب خلیل زاد بنیاد گذار تباهی و بربادی افغانستان بودند، بعد از صرف انواع کباب و نوشیدن عصاره های انگور، سیب و ناک و استماع آواز دلنواز دمبوره و طنبور و رباب و با زمزمه این شعر مرحوم صوفی دهقان ((الهی به خون بغلتد شفق چه دامن دریده امشب)) به قصر برگشته، دالره های فروش وطن خریداری ایالات متحده امریکا را نیز زیر سر گذاشته، دیده بسته و به خواب عمیق فرو رفته اند. به قوت معنوی این شعر مرحوم عشقی شاعر فقید ایران:

((شد خزان جمهوری ؛ نوبهار امساله دست اجنبی بنهاد ؛ داغ بردل لاله

شد نصیب این ملت ؛ غصه و غم و ناله بلبل سحر ؛ کرد نوحه سر

جمهوری نقل پشکل است این

بسیار فشنگ و خوشگل است این

ودعای ارواح شهدای گورهای دسته جمعی بی حساب خواب ریاست جمهوری را دیده به امید همین خواب و اعتماد تائید بادجانهای دور قاب، خود را کاندید کردند و کمیسیون انتخابات نیز چشم بسته بدون توجه به سوابق، از خوف اینکه اگر چنین میکردند به جز جناب رمضان بشردوست و یکی یا دو نفر، باقی یکی شان نه مستحق این مقام بودند و نه مانند شان را در افغانستان وسایر جهان یافته می توانستند مجبوراً چشم بسته بدون اینکه حرفی بر زبان آرند و آهی از سینه بر آرند نا شناخته گرفته و اجازه کاندید شدن دادند و داستان آنرا که برای همه اوسانه سرمنگسک شده بود شنیدیم. راستش همینکه ازین گدی بازی شرمیدیم و از کاندیدی بعضی ازین کاندیدان خندیدیم و خندیدیم و به زیارت بابۀ کاهدانی بازار خیابان، قبر صوفی و زیارت عاشقان و عارفان ازین روزگار وطن بیچاره خود یخه دریدیم .

به عقیده بیشتر وطنداران، جناب عبدالله عبدالله تا قبل از برقراری ارتباطات دوستی مخصوصاً خویشی باخلیلزاد پارازیت اصلی تباهی و بربادی افغانستان، از شرم اعمال ننگین و خطاهای گذشته با احتیاط قدم برداشته و به آهستگی تنفس میکرد و بسیار کم در محافل وطنداران دیده می شد، به اصطلاح، آب سرد را پف کرده مینوشید اما بعد از برقراری روابط با وی کمی جرأت یافته هیاهو و سروصدایشان قدری زیادتیر و بلند تر و در اجتماعات هم بیشتر نمایانتر گردیده اند . حتی تبصره های اخیر سرچوک کابل هم دال بر اینست که محرک وی به اشتراک در انتخابات و مشاورش درین هیاهو و دار دار کوچه و بازار نیز خلیلزاد بوده، همینکه او را در بام بالا و در انتظار به حیث کاندیدی ریاست جمهوری برملا ساخته و عکس العمل مردم افغانستان را دید که سرد و بی مزه است زینه را از زیر پایش برده و بیچاره را خدا نخواستۀ مالخولیا معرفی داشته و در بام تنها گذاشت. خدا کند که این تبلیغ باد هوا باشد .

جریانات چنان مینماید که در اجرای این کار دو راز نهفته میباشد یکی داخلی و دیگری خارجی:

علت خارجی : تمام این جروبخت و هیاهوی مسخره و کومیک آقای عبدالله عبد الله که گاه میگفت ، قبول دارم و گاهی میفرمود، قبول ندارم یا وزیر داخله و رئیس کمیسیون را بر طرف، رئیس دولت و وزیر معارف و دفاع را تا ختم انتخابات در خانه یامحبس ، بندی سازید آنگاه اگر دلم خواست و لالا خلیلزاد اجازه فرمود و همکاران اطمینان دادند که میتوانند آرای بیشتر مردم را در صنادیق انتخابات به نفع من بیندازند ؛ اشتراک میکنم والا باز هم حق دارم آنرا تحریم کنم. از خلال این جریانات چنان فهمیده میشود که همه این گدی باری و ناز و نوز و روده درازی بستگی به انتخابات ایران داشته و بازیگران پشت پرده میخواهند با یک تیر دو فاخته شکار کنند، یعنی هم در افغانستان آتش نفاق قومی را دامن برنند و هم به این وسیله مردم ایران را تحریک کنند تا به آشوب و سروصدا و مبارزات خود ادامه بدهند.

علت داخلی : پائین آوردن سطح دانشی مردم افغانستان در جهان یعنی این مردم استعداد تشکیل دولت و اداره کشور را ندارند و سران شان عبارت از اینگونه اشخاص اند در صورتیکه تمام کسانی که در ارگان دولتی کنونی ماموریت و مصروفیت دارند به جز یک تعداد معدود وطندوستان واقعی که کاملاً بی صلاحیت اند باقی یکی از اینها را مردم افغانستان نمایندۀ انتخابی خود نشناخته و بارها صدای احتجاج خویش را در همین باره از تمام گوشه و کنار جهان به وسیله ارگانهای نشراتی بلند ساخته و اینها را خادم واقعی افغانستان نه بلکه انتصابی ایالات متحده امریکا، روس، فرانسه، انگلیس، ایران و پاکستان شناخته اند و هم معتقد اند که زمام دار افغانستان کوچکترین صلاحیتی نداشته و بدون

اجازه و اشاره ارباب و سفیر و قومندان نظامی ایالات متحده در کابل کاری انجام داده نمیتوانند و درین هم جای کوچکترین شک و تردید نیست که استعمار گران و اشغالگران اولاً کسانی را ضرورت دارند و به کار میگذارند که کور و ازسرتا پا کردن و فرمانبر باید باشند. کور، یعنی کارهای ارباب اصلی را هرچه و هرطوری که انجام میدهد نا دیده بگیرد. کر، یعنی هرسخن بد و ناسزا و یا انتقاداتی را که ازینجا و آنجا و یا از این و آن میشوند بدون عکس العمل بوده و ناشنیده تلقی گردد. فرمانبرکودن یعنی تنها هدایت شنو و فرمانبر باشد که الله الحمد عاملین موجود دستگاه دولتی کنونی همه این صفات را دارند و انشا الله چند بار دیگر دور از خطر رئیس جمهور، معاون وزیر وکیل، جنرال، والی و سفیر تعیین میشوند.

برای من چند چیز تعجب آور و غیر قابل باور است.

اول- از جمله سه نفر اعضای کمیسیون سمع شکایات انتخابات افغانستان دوعضو آن خارجی و یک عضو آن تبعه افغانستان است، یعنی صلاحیت به دست اعضای خارجی میباشد (گیره زما واک ئی په ملا). نمیدانم رئیس جمهور درین باره چگونه خاموش مانده و حق مردم افغانستان را در اختیار دیگران گذاشته؟

دوم- جناب عبدالله عبد الله طی مصاحبه مطبوعاتی فرموده اند من از حقوق مردم افغانستان دفاع میکنم و مردم کشورم از من حمایت میکنند. از استماع این دوجمله باور کنید تکان خورده و به خدا پناه بردم این ها که انگلیسی خوب میدانند و هم خوب می خوانند، حتی بعضی بیانات خود را در تلویزیون و مجامع به السنه انگلیسی ایراد میفرمایند چگونه مطالب منتشره در جراید و اشنگتن پست و نیویارک تایمز و جراید المان و سایر ممالک آزاد را که به صراحت نوشته اند، «**دران لحظاتی که نماینده دستگاه جاسوسی ایالات متحده امریکا دالرهای رشوت حکومت خود را به شخصیت های بزرگ و دست اندر کار شورای نظار افغانستان که جناب عبدالله عبد الله یکی از اعضای فعال آن بود در پنجشیر تحویل می داد تا سربازانشان در موقع اشغال افغانستان توسط سربازان امریکا مزاحم فعالیت آنها نشده کمک و راهنمایی نمایند از تعجب و خوشی میلرزیدند و باور نمی کردند که ما این قدر دالر می پردازیم خصوصاً همین که گفته شد دیگر هم می پردازیم، دیوانه وار میخندیدند و هر یکی گاه به سوی رفقاء و گاهی جانب ما می نگریبستند**». شما و سایر همکارانتان که در بدل این پولها و طن و مردم را فروختید چگونه نام از وطن و مردم میبرید؟ و به کدام حق ادعای رهبری میتوانید؟ و کدام وطن فروش، یکی از شما ها را رهبری شناسد و به حیث رئیس دولت خود میپذیرد؟ بلی آب زور سر بالا می رود. شما در سایه شتر قرار دارید که از شدت گرما در امانید روزیکه شتر به عربستان برگردد آنوقت حقیقت را میدانید.

شتر در خواب ببند پنبه دانه که خف خف گه دانه دانه

همینکه روز حق و حساب برسد که یقیناً رسیدنیست آنوقت آثار نام و نشان یکی ازین عالیجنابان را که دعوی زعامت و وکالت و ریاست در افغانستان را میکنند نخواهید یافت و شاید بوی شانرا باد های موسمی از آنجایی که درس و طن فروشی گرفته اند بیاورد و فضای وطن را متعفن و مسموم سازد. ایکاش مسؤولیتها تنها همین بودی. دستهای خمینی را بوسیده و در حضور خامنه ای زانو زده اید، به ایران آمانا و صدقنا گفته و از پاکستان تحایف و معاشات ماهوار دریافت داشته اید. در فرانسه دهل نواخته و به دربار ملکه انگلیس اتن انداخته اید. تاجکستان را وطن گفته به آقای

پوتین خونبهای مردم افغانستان را بخشیده اید. دستان شیخ های عرب را شسته و به ایالات متحده امریکا وطن را فروخته اید و ا عجا که باز هم در برابر مردم قهرمان این کشور که در راه نجات دوباره اش قربانی داده و هنوز میدهند ایستاده و دعوی سرداری میکنید .

یک روز یکی از شما که دعوی جهاد و قهرمانی میکنید از خجالت و شرم نتوانستید به جواب یکی از نشرات و اشنگتن پوست و نیویارک تایمز و سایر نشرات آزاد جهان که در مورد بعضی کارهای سیاه هر یکی از شما داستانها نگاشته و مینگارند و از روی کارهای سیاه تان پرده می بردارند با توضیح چند کلمه به دفاع از خود پرداخته و ابطال نشرات شانرا ثابت سازید . ما میدانیم جواب آن جراید که اسناد ثقه داشته و در موقع ضرورت اسناد را با فوتوی مجرمین نشر میتوانند کار ساده و آسان نیست و گنهکاران جز خاموشی دیگر چاره ندارند .

عشقی شاعر ایران میگوید:

مرا اگر که ز روسیم و ثروت دنیا ؟ هر آنچه هست تسلط دهند و چیره کنند ؟
تمام برگ درختان گراسکناس شود ؟ تمام ریگ بیا بان اگر که لیره کنند ؟
گر آسمان همه زرگردوبمن بخشند ؟ سپس به گنجه ام افلاک را ذخیره کنند ؟
بدین نیر زده رگز که مردم از چپ و راست
بچشم نفرت بر من نگاه خیره کنند

سوم: مردم میگویند دیوارهای کابل موش و موشها گوش دارند، بعد از اشغال کابل توسط طالبان موش ها شنیده که جناب مرحوم امر صاحب و عبد الله عبدالله با موافقت شورای نظار یکتعداد هواپیما ها و تانکهای جنگی اردوی وطن را به تاجکستان برده بودند. معلوم نیست آنها به صورت امانت بوده؟ یا بخشیده شده؟ و یا فروخته و قیمت آنها مانند قیمت زمرد و لاجورد تحت الجیب گردیده ؟

چهارم: شاید خوا نندگان محترم متوجه شده باشند چند روز قبل خبرهای شنیده شد که در ولایت بلخ توسط هیلوکوپترها یکتعداد سرباز فرود آورده شدند همه این خبر را شنیدند و در آن باره تبصره های ضد و نقیض هم به عمل آوردند. اعضای دولت چون کروکورو بی خبر اند، لهذا تا امروز کسی ندانست که آنها گی ها بودند ؟ از کجا، از کدام سیاره و برای چه مقصدی آمده اند؟ مردم افغانستان از ترس و هراس لرزانند و یکی از دیگر میپرسند . کی ها اند از کدام کره آمده؟ و چگونه زنده جان اند؟ آیا به شکل انسان یا حیوان اند؟ در کجا سکونت دارند؟ تحت مراقبت می باشند یا آزاد اند؟ اگر آزاد اند، آیا ضرر رسانیده میتوانند ؟ یا آنها هم مانند وزیر داخله که از مامورین بلخ گریزانند. پس از تماشای چهره های آنها به کره خود برگشته اند؟ اینهم معلوم نیست معاونین رئیس جمهور این موضوع را به اطلاع (سی، آی ، ای) (کا، جی، بی) (ام. آی . ۶) (بی ، ان ، دی) یا دیگر دوایر جاسوسی که با آنها سروکار دارند اطلاع داده و آنها تحقیق لازمه آغاز کرده اند، یا فرستاده خودشان میباشند؟ یکی از وطنداران که وطن رفته بود گفت در همان روزی که من جریان آمدن سربازان بی نام و نشان را با این بیان جناب نور والی بلخ که گفت اگر کرسی دوباره رئیس جمهور شود من بلخ و تمام صفحات شمال را پامال و دگرگون و کرسی را از ریاست جمهوری سرنگون میسازم شنیدم، فوری از امام مسجد افغانها در موشن تعویذ خواسته و در گردن آویختم تا هم از خطر مصون و هم به دیدار فامیل برسم.